

الگوی نظری مردم‌سالاری دینی از منظر امام خمینی (ره) با به‌کارگیری راهبرد نظریه‌پردازی داده بنیان^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۲۵

علی ربانی خوراسگانی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نظام مردم‌سالاری دینی از دیدگاه امام خمینی می‌پردازد و به دنبال ارائه مدل نظری بر اساس فرمایشات و آثار ایشان می‌باشد. در ابتدا، پس از بیان مسئله، پیشینه نظری مردم‌سالاری و رابطه آن با دین اسلام از منظر صاحب‌نظران خارجی و داخلی بررسی شده است. سپس روش‌شناسی این پژوهش بر مبنای رویکرد نظریه‌پردازی داده بنیان توضیح داده شده و مراحل آن یعنی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی و در نهایت دست‌یابی به مدل نظری بر اساس مقوله‌های به دست آمده انجام گرفته است. داده‌کاوی این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار صحیفه امام و بررسی کلیه تألیفات ایشان می‌باشد. مقوله‌های اصلی به دست آمده بر اساس تحلیل عبارت‌اند از: «رهبری ولایی»، «قانون‌گرایی»، «دولت اسلامی»، «حقوق مردم» و «آزادی‌های مدنی»، «سیاست جهانی» و «مصلحت‌سنجی». مقوله مرکزی نظام سیاسی وظیفه‌گرا و تکلیف‌مدار می‌باشد.

در پایان، الگوی نظری مردم‌سالاری دینی از منظر امام خمینی (ره) بر اساس مقولات فوق ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مدل نظام مردم‌سالاری دینی، نظریه داده بنیان، نظام سیاسی وظیفه‌گرا و تکلیف‌مدار.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مردم‌سالاری دینی از منظر امام خمینی (ره) است که برای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شعبه اصفهان انجام شده است.

۲. دانشیار دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول a.rabbani@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

دموکراسی یا مردم‌سالاری از واژه‌های یونانی اقتباس شده که در مجموع به معنای حاکمیت مردم مشهور شد و دوره مردم‌سالاری به عنوان مهم‌ترین دوره در یونان ثبت گردیده است، این واژه در قرن شانزدهم میلادی وارد زبان انگلیسی شد.

مردم‌سالاری یونانی در فاصله سالهای ۵۰۸- تا ۳۸۸ ق.م. تحقق یافت. این تجربه دموکراسی با فتح یونان توسط فیلیپ مقدونی در سال ۳۳۸ ق.م. به سر آمد. در عصر رنسانس اندیشوران اروپایی بر تقلید از تجربه یونان و روم تأکید کردند.

در این عصر، بحث مردم‌سالاری در حوزه فلسفه سیاسی و اجتماعی از استوارترین مفاهیم اساسی این حوزه است و بیشتر درباره زندگی سیاسی و اجتماعی مردم گفتگو می‌کند و به مباحثی از این قبیل که زندگی‌های سیاسی و اجتماعی چیست؟ کدام شکلشان توجیه پذیرند؟ یا اینکه باید چه شکلی داشته باشند؟ می‌پردازد.

مردم‌سالاری در غرب دو دوره را طی کرده است؛ یکی دوره کلاسیک و دیگری دوره مدرن. مهم‌ترین ویژگی مردم‌سالاری قدیم (کلاسیک):

۱- مشارکت سیاسی محدود

۲- نبود حق مشارکت سیاسی برای زنان، مهاجران و بردگان

۳- اعمال مردم‌سالاری به صورت اندام‌وار و مستقیم

۴- جریان جوهره آزادی از رأس هرم به سمت قاعده

۵- تجلی اجتماعی افراد بیشتر در قالب طبقه تا تشخیص فردی

در دوره جدید طرفداران مردم‌سالاری مدرن این مسائل را مطرح کرده‌اند:

۱- تأکید به دفاع از حقوق فردی شهروندان

۲- اهمیت به نقش دانش و آگاهی در مشارکت سیاسی

۳- ارائه راه‌حل مناسب در جلوگیری از انحصار اکثریت

۴- تأکید بر اصالت منفعت و مصلحت فرد

۵- اهمیت به آزادی به معنای فقدان فشار افراد یا دولت برای انجام دادن امور اداری و

اختیاری و نپذیرفتن تحمیلات بیرون افراد.

- در باب پیشینه مردم‌سالاری اسلامی باید گفت آغاز تشکیل جامعه اسلامی و مدینه‌النبی با تبعیت کردن مسلمان اعم از زن و مرد با ایشان همراه است که جلوه جدیدی از مردم‌سالاری

که مبتنی بر اسلام و قبول حق مشارکت زن و مرد است را نشان می‌دهد اما متأسفانه این مبنای قوی در اسلام و ایران بعد از اسلام، تداوم نیافت. تاریخچه بحث مردم‌سالاری در ایران از دوره مشروطه آغاز می‌شود. قبل از آن، ایران هرگز ملت به معنای فرد صاحب حق رأی تلقی نشده است بلکه نظام سیاسی تحت عنوان رعیت و شاه بوده است. با مراجعه به آرای حکیمانی چون فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی تا حدودی نظر صاحب‌نظران مسلمان گذشته در خصوص مردم‌سالاری روشن می‌شود که طرفداران نظام سیاسی احرار هستند و رهبری کسانی را به رسمیت می‌شناسند که علاوه بر جنبه الهی بودن به آنها وعده برخورداری از آزادی و فرصت بیشتر را بدهد. در توصیف این حکیمان، شکل‌گیری حکومت مردم‌سالاری دینی به نحو برجسته دیده می‌شود هرچند از آن رسماً سخن گفته نشده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این مفهوم را رسماً رهبر انقلاب استفاده کرد و به شرح زیر تعریف شد.

«مردم‌سالاری دینی ... یک حقیقت واحد در جوهره نظام اسلامی است چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود؛ ضمن آنکه تحقق حکومت مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست...» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹).

یکی از برجسته‌ترین صاحب‌نظران در حوزه مردم‌سالاری دینی، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی (ره) می‌باشند که در قالب سخنان و رهنمودهای خویش، البته در بسیاری موارد به صورت غیرمستقیم به بحث مردم‌سالاری پرداخته‌اند. برای فهم دیدگاه سیاسی ایشان، در این پژوهش، مفاهیمی بررسی شده‌اند که شالوده رویکرد سیاسی‌شان را تشکیل می‌دهند.

بیان مسئله

دیر زمانی است که درباره رابطه دین و سیاست در بین صاحب‌نظران عرصه‌های مختلف از جمله مطالعات اجتماعی، سؤال و بحث و بررسی شده است.

مسئله اصلی این است که آیا حاکمیت دین در عرصه سیاست و تشکیل حکومت دینی، به تخریب اساس دین، به لحاظ آلوده شدن به قدرت و تضعیف ارکان حکومت مانند قانون و عدالت نمی‌انجامد؟

ارمغان عصر جدید در عرصه سیاست، نظامهای مردم‌سالار غربی بوده که این سؤال را به صورت عمیق‌تری در منظر دیدگان قرآن قرار داد؛ چراکه مشروعیت نظام‌های مذکور بر پایه پذیرش مردم و رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی تعریف شده است. این امر سبب شد که سؤال قدیمی درباره نسبت دین و سیاست، دوباره در عصر ما شکل جدیدی به خود بگیرد و اینگونه مطرح شود که آیا امکان سازش دین و مردم‌سالاری وجود دارد؟

تبیین این موضوع در ایران، که نزدیک چهار دهه از عمر نظام جمهوری اسلامی در آن می‌گذرد، بیش از هر جای دیگر ضرورت دارد چراکه این نظام دعوی تشکیل « مردم‌سالاری بر مبنای دین » را مطرح کرده است.

در این نوشتار تلاش می‌شود اصلی‌ترین سؤالات مردم‌سالاری دینی مطرح شده و بر اساس روش نظریه‌پردازی داده بنیان دیدگاه امام خمینی (ره) در این زمینه ارائه شود. این سؤالات و مسائل اصلی عبارت است از:

- « متناقض نما » بودن مفهوم مردم‌سالاری دینی
- « معضل استبداد دینی »
- چگونگی تطبیق نظام مردم‌سالاری دینی با تغییرات زمانه و تحولات علمی

انتخاب دیدگاه امام خمینی (ره) به عنوان محور پژوهش حاضر و پاسخهای ایشان به این مسائل به این علت است که ایشان در فقه شیعه دارای بالاترین مرجعیت علمی می‌باشند و در این زمینه دیدگاه اساسی دوره ما مبنی بر ولایت فقیه را ارائه کرده‌اند. نکته دیگر اقدام ایشان در بنیان‌گذاری نظام مردم‌سالاری دینی است که کوششی منحصر به فرد در عصر ما جهت پیوند دین و سیاست بوده است.

هدف تحقیق

دو رویکرد مهم تحقیق در باب روش حکومتی از منظر امام خمینی (ره) مطرح شده است؛ رویکرد اول شامل بررسی عینی نظام جمهوری اسلامی به عنوان حکومت مبتنی بر رأی مردم و رویکرد دوم شامل بررسی روش حکومتی اسلام از طریق گزاره‌های مربوط در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) می‌باشد. هدف این مقاله به کارگیری رویکرد دوم است که در ذیل آن به بررسی دیدگاه‌های محققان درباره مردم‌سالاری دینی نیز پرداخته شده است. جمهوری اسلامی در بستر

مبانی سیاسی اجتماعی اندیشه امام و متأثر از آموزه های نبوی و علوی و به منظور پرهیز از الگوهای استبدادی، مطرح شده است که مبنای شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری دینی ایران می‌باشد. با توجه به تفاوت‌های موجود بین دموکراسی دینی و انواع دیگر دموکراسی، بررسی طرح علمی و استخراج روش‌مند نظریه امام خمینی، برای نشان دادن عناصر این طرح و نظام‌بخشی به محتوای آن مفید می‌باشد.

هدف اصلی پژوهش حاضر تدوین مدل یا الگوی نظری مردم‌سالاری دینی بر اساس بیانات امام خمینی (ره) می‌باشد. هدف تکمیلی این تحقیق ارائه روش حکومتی در اندیشه امام خمینی (ره) و معرفی الگوی مردم‌سالاری دینی معرفی شده از سوی ایشان است به نحوی که برای اجرا نمودن در دیگر جوامع اسلامی کاربرد داشته باشد.

این پژوهش امکان فهم ویژگی‌های اختصاصی دینی در نظام جمهوری اسلامی را به تصویر می‌کشد.

پیشینه نظری

نظرات پژوهشگران گوناگون در زمینه مردم‌سالاری دینی در ادامه آورده شده است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان متفکران غربی را در موضع‌گیری در باره ارتباط مردم‌سالاری و اسلام، به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول تقابل‌گرایان^۱ یا کسانی هستند که معتقدند مردم‌سالاری و اسلام ماهیتاً سازش‌ناپذیرند و بنابراین نمی‌توان هر دو را باهم داشت. این افراد معتقدند هرگونه ارتباطی بین مردم‌سالاری و اسلام نه از نوع دوستی بلکه از نوع تقابل و تخصم خواهد بود.

برنارد لوئیس، ساموئل هانتینگتون و مارتین لیست از مهم‌ترین نمایندگان این رویکرد می‌باشند. دسته دوم تطبیق‌گرایان^۲ یا کسانی هستند که بر این باورند می‌توان نوعی مردم‌سالاری اسلامی داشت و شیوه حکومت مردم‌سالاری الزاماً با دین اسلام تضادی ندارد. از مهم‌ترین نمایندگان این رویکرد گودران کرامر، روی تکیه، ادوارد سعید و حامد الگار می‌باشند. لوئیس در تقسیم‌بندی کلی، پیروان اسلام را به دو دسته بنیادگرایان اسلامی^۱ و اصلاح‌طلبان اسلامی^۲ تقسیم می‌کند. از نظر وی، امام خمینی و انقلاب اسلامی بهترین نمونه بنیادگرایی اسلامی

1. Confrontationalists
2. Accommodationlists

می‌باشد. او معتقد است اسلام اساساً با مردم‌سالاری هم‌خوانی ندارد، هرچند عناصری همسو با آن وجود دارد. دلیل این امر به رسمیت نشناختن نهادهای جمعی در اسلام است. این نهادها در دنیای غرب، از اهمیت زیادی برخوردارند و یکی از کارکردهای اصلی آنها قانون‌گذاری است. اما در دکترین اسلامی نیاز به نهادهای قانون‌گذار نیست زیرا فقط خداوند حق وضع قانون دارد. لوئیس بر این باور است که برای بنیادگرایان اسلامی فرهنگ آمریکایی، منفورترین چیزی است که ارزش‌های اسلامی را تهدید می‌کند، او می‌نویسد: در قرآن بزرگترین دشمن و گول‌زننده انسان شیطان است که بالاتر از تمام وسوسه‌ها و نیرنگ‌ها برای دور کردن انسان‌ها از ایمان حقیقی قرار دارد. دقیقاً در همین معناست که [امام] خمینی آمریکا را شیطان بزرگ خواند. شیطان به عنوان دشمنی که هدفش وسوسه و اغوای مسلمانان است. (Lewis, 1993:91)

هانتینگتون در بخشی از کتاب معروف خود در مورد برخورد تمدن‌ها، دموکراسی لیبرال غربی را به عنوان محصولی منحصر به فرد معرفی می‌کند. مانند برنارد لوئیس، هانتینگتون نیز معتقد است فرایند مدرن شدن لزوماً به مردم‌سالاری غربی نمی‌انجامد. این امر به‌خصوص میان ملل مسلمان و آسیایی مشاهده می‌شود. وی می‌نویسد تقریباً در تمام کشورهای اسلامی بازگشت به مذهب و فرهنگ بومی، یک نیروی عمده اجتماعی، فرهنگی و عقلائی است. (Huntington, 1996:37)

جامعه‌شناس آمریکایی، لیپست، معتقد است کشورهای اسلامی مسیری را نپیموده‌اند که منجر به مردم‌سالاری شود. او می‌نویسد توسعه مردم‌سالاری در کشورهای اسلامی در آینده نزدیک بعید است زیرا مفاهیمی مانند آزادی سیاسی در اسلام جایی ندارد (Lipset, 1993:5).

در دیدگاه دیگر، کرامر با مطالعه آثار متفکران مسلمان، به این نتیجه رسیده است که شریعت سنگ بنیادین حکومت اسلامی است و براساس آن مرد و زن مسلمان نه تنها وظیفه دارند حاکم خود را انتخاب کنند بلکه باید به شکلی پیوسته بر وی و حکومتش نظارت داشته باشند. (Kramer, 1993)

روی تکیه معتقد است که اسلام معتدل و اصلاح طلب می‌تواند در آینده با تأسیس مردم‌سالاری اسلامی جایگزین حکومت‌های خود کامه در خاورمیانه شود. (Takeyh, 2001)

سعید به بررسی پوشش خبری بحران گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکا، پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. طبق نظر او، بحران گروگان‌گیری منجر به تغییر چارچوبی شد که از

طریق آن رسانه‌های غربی اسلام را نمایش می‌دادند. اهمیت کار ادوارد سعید نه به دلیل بررسی ارتباط مردم‌سالاری و اسلام، بلکه به دلیل تلاش در نشان دادن رویکرد منفی غرب درباره مشرق زمین و کشورهای اسلامی به طور خاص است (Said, 1997).

الگار با فهمی عمیق‌تر از اندیشه امام خمینی (ره)، مبانی عرفانی انقلاب ایشان را به تصویر می‌کشد. او سالهای طولانی به بررسی انقلاب اسلامی ایران و شخصیت امام خمینی (ره) پرداخت و ضمن تشرف به اسلام شیعی در زمره ارادتمندان به ایشان قرار گرفت. از نظر او، پیوند عمیق میان دین و سیاست در اندیشه امام یا ارتباط بعد عرفانی با بعد سیاسی در شخصیت امام، آشکارا ملاحظه می‌شود. (Algar, 2008)

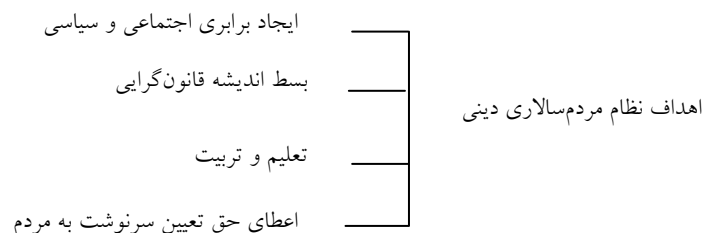
حال به ارائه دیدگاه برخی صاحب‌نظران داخلی می‌پردازیم.

از نظر پورفرد (۱۳۸۴) به طور کلی دو رهیافت مهم در مورد مردم‌سالاری وجود دارد: رهیافت اول به نوعی از نظام‌های سیاسی و طرز تلقی در خصوص روش و شیوه زندگی سیاسی مردم معطوف است. رهیافت دوم مردم‌سالاری بر زاویه فلسفه اجتماعی و ارزشهای خاصی که ایدئولوژی ایجاد می‌کند متکی می‌باشد.

طرفداران نظام مردم‌سالاری دیدگاه‌های یکسانی ندارند. بنابراین مردم‌سالاری معنایی سیال یافته است و با ایده‌های سیاسی مختلف همساز و همراه شده است که این نشان می‌دهد دموکراسی، مضمونی واحد و مورد توافق همه ندارد. اما با اغماض می‌توان گفت نظریه‌پردازان حداقل بر سر موضوع مشارکت سیاسی شهروندان در تصمیم‌گیری‌های درون نظام سیاسی اتفاق نظر دارند.

اهداف مردم‌سالاری دینی به‌طور خلاصه عبارت است از:

۱. ایجاد برابری اجتماعی و سیاسی: برابری همه مردم در فرصتهای اجتماعی و سیاسی.
۲. بسط اندیشه قانون‌گرایی: کنترل مردمی و مسئولیت‌پذیری و انتخاب منظم و نظم‌پذیری در جامعه در گرو باور و اعتقاد به قانون است.
۳. تعلیم و تربیت: تعلیم و تربیت انسان برای بالا بردن توان مقاومت در برابر چالشهای منفی قرن.
۴. اعطای حق تعیین سرنوشت به مردم: امام خمینی در بیانات خود تصریح می‌کند که حق تعیین سرنوشت از حقوق اساسی مردم است که به موجب آن هر ملتی باید سرنوشت خود را خودش تعیین کند.



شکل شماره ۱ اهداف مردم‌سالاری دینی از دیدگاه پورفرد

پورفرد (۱۳۸۴) در ادامه به بررسی چهار الگوی اصلی مطرح شده توسط فقها در باب چگونگی نظام مردم‌سالاری می‌پردازد که عبارت‌اند از: موافقان ولایت (ولایت سیاسی برخی افراد بر بعضی دیگر) که از میان موافقان گروهی که دامنه ولایت در عرصه سیاسی را وسیع می‌دانند تحت عنوان طرفداران «الگوی ولایت عامه» و گروهی که دامنه ولایت سیاسی را محدودتر می‌گیرند تحت عنوان «طرفداران الگوی امور حسبیه» قرار می‌گیرند. گروه مخالفان ولایت نیز بر دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول که در امور سیاسی مسئولیت را بر عهده مؤمنان عادل می‌دانند طرفداران «الگوی جواز تصرف» محسوب می‌شوند و گروه دوم که به‌طور کلی، منکر ولایت برخی افراد بر مردم هستند طرفداران «الگوی جدایی دین از دولت» خوانده می‌شوند.

در پایان عناصر اصلی مردم‌سالاری دینی از دیدگاه پورفرد (۱۳۸۴) به شکل زیر خلاصه شده

است :



شکل شماره ۲ عناصر اصلی نظام مردم‌سالاری دینی از دید پورفرد

عماد افروغ از دیگر محققانی است که به بررسی ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی در اندیشه امام خمینی (ره) پرداخته است. ایشان مردم‌سالاری دینی را یک الگوی حکومتی از دموکراسی می‌داند و حقوق و تکلیف مردم را در این نوع حکومت ارزیابی می‌کند. ایشان به مقایسه مردم‌سالاری دینی با لیبرال دموکراسی می‌پردازد و معتقد است در در لیبرال دموکراسی توجه به حقوق فرد (مدنی و سیاسی) غالب است و به حقوق اجتماعی و بعد وظیفه‌شناسی کمتر توجه می‌شود و بیشتر حق و حقوق مدنی مثل آزادی بیان، عقیده و فکر، آزادی ایمان و انعقاد قرار داد و مالکیت و برخورداری از عدالت فردی و حقوق سیاسی، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن مورد توجه است.

در حکومت‌های دموکراسی اسلامی علاوه بر دایره حقوق شناخته شده افراد و ابعاد اجتماعی حقوق به بُعد وظیفه‌شناسی شهروندان نیز توجه شده است. همچنین حقوق خداوند هم در آن لحاظ شده است. اما در غرب، به خاطر جدایی دین از سیاست، جمع بین حقوق الهی و انسانی و همچنین جمع بین ویژگی‌های اشخاص حاکم و شیوه حکومت به سهولت امکان‌پذیر نیست (عماد، ۱۳۷۹).

دیدگاه عماد افروغ در باب ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت امام خمینی را می‌توان به صورت این نمودار نشان داد:

جدول شماره ۱ دیدگاه افروغ درباره ویژگی‌های ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی از دیدگاه امام خمینی

- جمع حقانیت و مقبولیت (جمع بین ویژگی اشخاص حاکم و محتوای حکومت و رضایت مردم)
- توجه خاص و ویژه به صفات و آموزه‌های محتوایی شرعی در مورد حکمرانان و محتوای حکومت (علم و عدالت و کفایت و صلاحیت)
- رابطه دیالکتیک بین ظرف و مظلوف (از سوی مردم در محتوای حکومت تأثیر گذارند و از سوی رهبر به رأی مردم اعتماد دارد)
- امکان نقد مضاعف نسبت به هر دو بعد حقانیت و مقبولیت
- امکان جلوگیری از اغوا چه به نام رضایت و چه به نام حقانیت (جلوگیری از نظام سلطه)
- عدم خلط شکل و محتوا
- توجه به مصالح زمانی و مکانی
- وجود کنترل‌های حداقلی و قابل پیش‌بینی دولت

لک زایی (۱۳۸۴) در کتاب *سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی*، با طرح پرسش «اندیشه سیاسی امام چیست؟» به اثبات فرضیه مد نظر خویش که «اندیشه امام (ره) دچار تحولی شده که مبتنی بر اصول ثابتی می‌باشد» پرداخته است. این محقق اندیشه سیاسی مسلمانان را شامل سه قسمت اندیشه سیاسی سلطه‌جویانه، اندیشه سیاسی اصلاحی و اندیشه سیاسی انقلابی می‌داند. سپس در ادامه دو رویکرد اصلاحی (محقق سبزواری) و انقلابی (امام) را مقایسه کرده و دلیل تفاوت این دو رویکرد را بنا به شرایط زمانی که مطرح شده‌اند، بیان کرده است. اندیشه سیاسی امام خمینی دارای دو دسته اصول ثابت و متحول است که اصول ثابت اندیشه امام (ره) در نظر نویسنده عبارت‌اند از: ۱) اصل تکلیف، ۲) اصل عدالت، ۳) اصل تدریج، ۴) اصل اجتهاد، ۵) اصل مصلحت اسلام، ۶) اصل مصلحت مسلمین، ۷) اصل دعوت و گسترش اسلام، ۸) اصل نفی سبیل، ۹) اصل تقدم اهم بر مهم، ۱۰) اصل عمل به قدر مقدور، ۱۱) اصل ضرورت حکومت، ۱۲) اصل ولایت الهی، ۱۳) اصل در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان. او تحول اندیشه سیاسی امام را با دو روش گفتمان‌سازی و فهم مکانیزم اجتهاد در مکتب شیعه و فضای حاکم بر استنباط احکام اسلامی قابل توضیح می‌داند. او به‌طور کلی معتقد است اندیشه امام در

راه گذار از اندیشه‌های اصلاحی به انقلابی دچار تحولی تدریجی شده و این همان نقطه قوت اندیشه سیاسی امام است که به کمک شناخت دقیق اوضاع، شرایط و امکانات و با استعانت از اصل پویای تفکر شیعی یعنی اجتهاد شکل گرفته است (لک زایی، نجف، ۱۳۸۴).

وحیدی منش (۱۳۸۴) در کتاب *مبانی مقایسه مردم‌سالاری دینی و دموکراسی لیبرالی*، معتقد است اگر دموکراسی را حکومت مردم بر مردم بدانیم، در این معنا با دین تضاد پیدا می‌کند. اما اگر دموکراسی را حکومتی بدانیم که در آن حقوق مردم محترم است، نظامی آزاد و ضد استبدادی می‌باشد که مردم در گزینش مسئولان نقش دارند و نظامی مردمی و در خدمت مردم می‌باشد، قابل استخراج از اسلام است. در نهایت به نظر ایشان می‌توان مردم‌سالاری دینی را این‌گونه تعریف نمود: «مردم‌سالاری دینی حکومتی است که ساختار و شکل اجرایی آن بر اساس مدل دموکراسی است که با دخالت مستقیم یا غیر مستقیم اکثریت مردم تنظیم شده است ولی محتوای آن را مذهب در برگرفته و در آن رأی مردم در چارچوب شریعت منشأ اثر می‌باشد. به عبارت دیگر، نظر مردم در طول قانون الهی قرار می‌گیرد و نه در عرض آن. در چنین حکومتی، دین محور امور است و خواسته‌های مردم در جهت انطباق با خواست دین هدایت می‌شود نه اینکه دین در جهت خواست مردم دگرگون شود.

آیت الله خامنه‌ای (۱۳۸۸) معتقدند یکی از شاخصه‌های مهم در مردم‌سالاری دینی، مردم است. مردم ایران، به دنبال تحقق آرمانهای اسلامی (عدالت و معنویت و آزادی و استقلال کشور) هستند. اعتقاد مردم به دین است که باعث تشکیل حکومت می‌شود و در اسلام، مردم و رأی‌شان هم رکن مشروعیت و تقوا و عدالت منتخب هم رکن دیگر مشروعیت است. نظام اسلامی علاوه بر اتکا به مردم مؤمن خویش دارای دو عامل عمده احساس مسئولیت خدایی و هندسه و مفصل‌بندی اساسی و تشکیلاتی نظام است و تداوم نظام به خاطر این است که الهی و قرآنی است. مسئولان نظام باید دانایی و کفایت سیاسی، اخلاقی و اعتقادی داشته باشند و به سیاستهای جمهوری اسلامی معتقد و وامدار دیگران نباشند.

مردم‌سالاری دینی یعنی مردم با ایمان دینی‌ای که دارند دارای کرامت‌اند و لذا رأی آنها معتبر است و این باید همراه با هدایت انوار قرآن و احکام الهی باشد تا مردم در جهت رشد فضایل اخلاقی تربیت شوند و خواستشان در راستای همین جهت باشد. مردم‌سالاری دینی یعنی رجوع به رأی مردم هنگام نیاز، از نگاه و منطبق دین، همراه با تعهد و بازخواست. مردم‌سالاری دینی حرف جدیدی است و ویژگی آن، تکیه‌گاه بودن مردم برای نظام می‌باشد.

روش‌شناسی

در این پژوهش، برای استخراج دیدگاه امام خمینی (ره) دربارهٔ مردم‌سالاری دینی از «راهبرد پژوهشی نظریه‌پردازی داده‌بنیان»^۱ استفاده شده است. راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیان، یک روش تحقیق عمومی، استقرایی و تفسیری است که در سال ۱۹۶۷ توسط اشتراس و گلاسر ایجاد شده است. ریشه‌های این راهبرد پژوهشی به مکتب کنش متقابل نمادین برمی‌گردد که بلومر در سال ۱۹۳۷ آن را ایجاد کرده است. از زمانی که گلاسر و اشتراس آنرا را در سال ۱۹۶۷ ابداع نموده‌اند، به طور مداوم، از طریق بحث‌های فراوان روی تفاوت و شباهت‌های آن با دیگر روش‌ها توسعه یافته است. علاوه بر این، پژوهشگران به راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیان به‌طور یکسان نپرداخته‌اند. این تباین و واگرایی به حوزه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مربوط نمی‌شود بلکه تفاوتها در جزئیاتی مانند نحوهٔ کدگذاری و توسعهٔ مقوله‌ها و مانند آن است (Urquhart, 2013: 192-193).

اهمیت این روش‌شناسی از یک سو به قابلیت آن در نظریه‌سازی و از سوی دیگر به ایجاد ظرفی برای تحلیل داده‌های کیفی مربوط است (ایمان، ۱۳۸۸: ۳۳۱).

در مجموع، وقتی دانش کمی یا هیچ دانش قبلی در زمینهٔ مورد تحقیق وجود نداشته باشد، استفاده از این راهبرد نظریه‌پردازی مفید است (Grbich, 2007: 70) و (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۹۳-۸۸).

استفاده از این راهبرد برای دستیابی به محتوای نظام‌مند دیدگاه‌های شخصیت‌های سیاسی پیش از این نیز توسط محققان انجام شده است (Urquhart, 2013: 79-81; 116-118).

کدگذاری در این داده‌ها برای به دست آوردن معانی و به مثابهٔ «معدن‌کاوی»^۲ برای استخراج معناست. بنابراین فرض بر این است که داده‌ها حاوی معنایی هستند و کار محقق آن است که آن معانی را کشف کند (Corbin, J. & A. Strauss, 2008: 66) و (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۱۲۰).

تحلیل داده‌ها در این روش، شامل سه مرحلهٔ کدگذاری باز، محوری و گزینشی می‌باشد. اولین مرحلهٔ تحلیل، مقایسه و مقوله‌بندی داده‌ها، دومین مرحله شامل توصیف روابط اجتماعی بین مقولات و خرده مقولات و سومین مرحله نیز به ساخت پایه‌های نظریهٔ داده‌بنیان بر اساس ارتباط مقولات متعدد با مقولهٔ اصلی و مرکزی می‌پردازد. مرحلهٔ غایی نظریه داده بنیان دست‌یابی به مدل نظری از طریق تحلیل و دسته‌بندی مفاهیم و مقوله‌ها می‌باشد.

در پژوهش حاضر، مرحلهٔ کدگذاری باز با انتخاب عبارتها انجام شده است. در این مرحله، تمام اطلاعات حاصل از صحیفهٔ امام کدبندی باز شده است. به این منظور با استفاده نرم‌افزار

1. Grounded Theory Approach

2. Mining

مناسب صحیفه امام به جستجوی کلمه به کلمه در کلیه تألیفات امام پرداختیم و تمام پاراگرافهایی را که حاوی مطلبی پیرامون تعریف امام از حکومت و یا هر گونه مطلبی که دیدگاه امام راجع به حکومت بود بررسی شدند. در کدبندی اولیه بر اساس مفهوم مندرج در عبارات، به آن یک کد اولیه الصاق گردید. در کدبندی سطح دوم یا به تعبیر چارمز، کدبندی متمرکز^۱، تصمیم انتخاب از بین کدهای اولیه انجام شد. این امر قوی‌ترین ابزار تحلیلی برای مقوله‌بندی می‌باشد (Charmaz, 2014: 138).

برای هر یک از کدها یک یادداشت یا شرح واره نیز تهیه شد و بر اساس نمونه‌گیری نظری وارد مرحله دوم شدیم.

در مرحله نمونه‌گیری نظری به دنبال بهترین و جامع‌ترین شاهد برای هر مفهوم در صحیفه جست‌وجو صورت گرفت و تا هنگام اشباع نظری ادامه یافت، یعنی تا جایی که دیگر اطلاعات جدیدی در داده‌ها یافت نشد.^۲ ضمن خلاصه کردن مطالب و خودداری از آوردن مفاهیم تکراری برای هر مقوله یک نمونه از سخنان امام را تحت عنوان «یادداشت» آوردیم. در مرحله دوم، کدها در مجموع به هفت مقوله اصلی یا کد محوری^۳ نظرات امام پیرامون مردم‌سالاری دینی تقلیل یافتند که در نهایت به الگویی نظری^۴ برای دیدگاه امام در زمینه مردم‌سالاری انجامید. این الگو مشتمل بر مقوله‌های اصلی و یک مقوله مرکزی یا کد انتخابی^۵ است.

نتایج پژوهش

در این بخش که شامل ارائه نتایج پژوهش و مقوله‌ها می‌باشد، مقوله مرکزی و مقوله‌های اصلی معرفی می‌شوند.

۱- مقوله مرکزی نظام سیاسی وظیفه‌گرا و تکلیف‌مدار

بر اساس بررسی انجام گرفته، مقوله مرکزی در برپایی نظام مردم‌سالاری دینی از منظر امام خمینی، عمل به وظیفه و انجام تکلیف است. این مقوله دو نکته اساسی در خود دارد که عبارت

1. Focused coding

۲. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید بهاستراس، انسلم و جولیت کوربین؛ ۱۳۸۸: ۱۸۷ و فلیک، آوه؛ ۱۳۸۲: ۹۲-۸۷.

3. Axial code

4. Theoretical Model

5. Selective code

است از «عمل محور» بودن و دیگری «اصالت وظیفه». این دیدگاه در مقابل مسلک لیبرال دموکراسی که اصالت را به کسب قدرت و نظام سیاسی به عنوان هدف غایی می‌دهد، لزوم اقدام و عمل برای تشکیل نظام سیاسی صحنه می‌گذارد ولی حکومت را دارای کمال و مسئولیت و وظیفه می‌داند (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۹۳، ۶۶، ۲۰ و ۱۲).

مطابق این مسلک، انجام هرگونه کنش به صورت وظیفه و برای نیل به سعادت حقیقی به وجود می‌آید و دولت (حکومت)، در همه شئون باید هدایتگر به سوی آن سعادت باشد. تولی و تبری نسبت به حکومت هم بر اساس وظیفه حقیقی‌شان است نه صرفاً قراردادی.

مسئولیت حکومت هم در این مسلک بسیار فراتر از صرف تأمین امنیت می‌باشد. در این مسلک «حق» محور همه کارهاست (لاریجانی، ۱۳۷۴: ۲۶۱-۲۶۲). بنابراین در مدل مردم‌سالاری دینی امام خمینی، نوعی «دموکراسی فضیلت محور و کمال‌گرا» مدنظر است که محتوای مردم‌سالاری را تشکیل می‌دهد.

مقوله‌های اصلی این مفهوم در سطح کدگذاری محوری عبارت‌اند از: وظیفه‌مداری، تکلیف‌گرایی همگانی، تکلیف‌گرایی دولت، دولت خدمتگذار و پاسخگو، حق‌مداری و تکلیف سیاسی.

۲- مقوله اصلی رهبری ولایی

در مقوله «رهبری» سخن این است که چه کسی حق حاکمیت و شایستگی در دست گرفتن قدرت و حکومت را دارد؟ حاکم بر چه اساسی حق خواهد داشت تا بر مردم فرمانروایی کند؟ و این حق از چه منبعی به او رسیده است. (مزینانی، ۱۳۸۳: ۵۵۲).

از نظر فقه شیعه، کسی که بر مسند ولایت می‌نشیند باید نصب الهی داشته باشد. فقهای شیعه، ولایت مشروع را در قبال «ولایت جور» قرار می‌دهند و آن را «ولایت عمل» نیز می‌خوانند. فقه سیاسی شیعه تنها به شیوه حکومت نمی‌پردازد بلکه درباره حاکمان نیز نظر دارند. در فقه سیاسی شیعه، فاصله بین ولایت عدل و ولایت جور فاصله همه یا هیچ نیست.

اگر در مواردی هم فقیهان از حرمت ذاتی یا نفسی ولایت سخن گفته‌اند مرادشان نفی اصل حاکمیت و ولایت نبوده است. امام خمینی براساس این دیدگاه معتقد به رهبری ولایی هستند و در برابر این اشکال که این نوعی دیکتاتوری آخوندی است معتقدند که صلاحیت‌های لازم برای «ولی فقیه» هیچ‌گاه اجازه پیدایش چنین معضلی را نمی‌دهد.

برخی محققین با توجه به نگاه فقهای شیعه و امام خمینی به «ولایت فقیه» که نه حاکمیت فرد بلکه «قانون اسلام» است، آن را «ولایت قانونی» هم نامیده‌اند. برخی دیگر نیز آنرا «مردم‌سالاری فقه محور» معرفی کرده‌اند و برخی نیز آن را «ولایت فقاها و عدالت» نام نهاده‌اند.

در زمینه اشکالات علمی که به رهبری ولایی به خصوص با توجه به تبلور آن در ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی مطرح می‌شود، احتیاج به بررسی بیشتر دارد که خارج از امکان این نوشتار می‌باشد و تنها به این نکته اشاره می‌شود که سنجش کارآمدی رهبری ولایی براساس شاخصهای علمی می‌تواند روشنگر خوبی باشد (ذو علم، ۱۳۸۸).

مقوله‌های عمده این مفهوم در سطح کدگذاری محوری عبارت‌اند از: الهی بودن (جعل الهی)، منوط بودن به آرای اکثریت، برابری با پیامبر و امام در شئون حکومت، ولایت و وظیفه‌ای خطیر و ارشادگری بشر.

۳- مقوله اصلی حقوق مردم

پایداری یک نظام سیاسی - اجتماعی به رعایت حقوق مردم بستگی دارد که در دیدگاه امام خمینی، تأکید زیادی بر آن صورت گرفته است. جهت شناخت دیدگاه‌های امام راحل (ره) در زمینه مردم‌سالاری دینی، ضرورت تبیین هرچه بیشتر و حقوق مردم وجود دارد. این ضرورت وقتی نمایان تر می‌شود که به قرائتهای مختلف از دیدگاه‌های ایشان در این موضوعات هم توجه کنیم. از سوی دیگر، توجه به منابع اسلامی بحث می‌تواند گره‌گشای مشکلاتی باشد که بر سر تفسیر و تحلیل پاره‌ای از آرا و نظریات ایشان رخ می‌نماید. از آنجا که ایشان قبل از آنکه نظریه-پردازی سیاسی باشند، اسلام‌شناسی خبره بودند و اساساً دیدگاه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی ایشان مبتنی بر برداشت و تفسیرشان از منابع اسلامی است کسانی می‌توانند دیدگاه‌های ایشان را بهتر ارائه دهند که به این منابع، بیشتر و بهتر توجه کنند از این رو برای یافتن الگوهای یاد شده، تبیین و ارائه دیدگاه ایشان همراه با زمینه‌های آن در منابع اسلامی ضرورت پیدا می‌کند.

حقوق مردم شامل سه حوزه اصلی سیاسی، اجتماعی - اقتصادی و قضایی می‌باشد. حقوق سیاسی شامل احزاب و اجتماعات و شوراهای و نیز حق رأی مردم است. حقوق مربوط به دو حوزه اجتماعی - اقتصادی بر محور رفاه افراد در جامعه و آزادیهای فردی و شخصی است که به نوعی تمتع و برخورداری او را از منافع و مواهب زندگی در جامعه

تأمین می‌کند و شامل حق آموزش و حق برخورداری از شغل نیز می‌باشد. حقوق قضایی شامل حقوق مربوط به مجرم، متهمان، زندانیان، اصحاب دعوا، حقوق مربوط به نحوه تعقیب و دستگیری افراد، بازرسی‌ها می‌باشد که به طور کلی به قوه قضاییه ارتباط می‌یابد. مقوله‌های عمده این مفهوم در سطح کدگذاری محوری عبارت‌اند از: برخورداری زنان از حقوق، حق آزادی همه جانبه، تساوی حقوق و وجود پشتوانه حقوق.

۴- مقوله اصلی آزادی‌های مدنی

آزادی‌های مدنی و تنوع سیاسی از شاخصه‌های مهم نظام‌های مردم‌سالار محسوب می‌شود که به دلیل اهمیت آن به عنوان مفهومی مستقل در مدل نظری مردم‌سالاری دینی مورد توجه قرار گرفت. ایشان معتقدند که خداوند آزادی را به انسان داده است، بنابراین آن را حق طبیعی انسانها می‌دانستند و در تفکر ایشان اعطا نمودن آزادی به مردم معنا نداشت و حتی بیان آن را جرم می‌دانستند. ایشان در این مورد می‌فرمودند:

«کلمه اینکه «اعطا کردیم آزادی را» این جرم است. آزادی مال مردم هست، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم» (صحیفه نور، ج ۲، ص ۶۷).

ایشان آزادی را حق اولیه و طبیعی بشر می‌دانستند و معتقد بودند که حیات و ارزش زندگی به آزادی انسانها مربوط است.

ایشان به آزادی تمام انسانها اعتقاد داشتند و محدوده آزادی را هم در چارچوب قانون یک کشور می‌دانستند و معتقدند تمامی افراد در جامعه باید التزام عملی به قانون داشته باشند، ولی می‌توانند در آرا و نظرات خود مخالف باشند. بنابراین چون آزادی را برای همگان با هر عقیده‌ای لازم می‌دانستند، لذا آزادی مخالفان دینی و غیر دینی نیز در تفکر ایشان معنا دارد. نکته قابل توجه در تفکر ایشان این است که آزادی را برای انسانها تقسیم‌بندی نکرده‌اند و سخنی از ایشان نمی‌بینیم که برای آزادی‌های اجتماعی، اعتقاد به طبقه‌بندی انسانها داشته باشند، بلکه به عکس همه جا ایشان آزادی را برای همگان می‌دانند و مرز آزادی‌ها را نیز برای همگان یکسان می‌دانند.

به طور کلی، امام مفهوم آزادی به شکل مثبت را در مقابل چند مفهوم منفی دیگر قرار داده و بر تفاوت‌های آنها با آزادی تأکید کرده‌اند. امام آزادی را در مقابل مفاهیم «بی‌بندوباری» و «توطئه» به کار می‌برند و از آزادی «غربی» و «حیوانی» انتقاد می‌کند.

مقوله‌های اصلی این مفهوم در سطح کدگذاری محوری عبارت‌اند از: آزادی در تعیین سرنوشت، آزادی تفکر و اندیشه، آزادی زنان، آزادی رسانه‌ها و آزادی در حد قانون.

۵- مقوله اصلی قانون‌گرایی

روح دیدگاه امام خمینی در باب قانون این است که بایستی قانون الهی حاکم باشد و قانون اسلامی متمایزکننده نظام مردم‌سالاری دینی از بقیه نظامهای مردم‌سالار است. امام نخستین بار در کتاب کشف الاسرار از قانون سخن به میان آورده و قانونی را شایسته پیروزی دانسته که با ایمان و عقیده گره خورده و مردم قانونگذار را شخصی صالح تشخیص داده باشند. هر سه هدف «نظم»، «عدالت» و «پیشرفت» در دیدگاه امام خمینی، به عنوان اهداف قانون‌گذاری در حکومت اسلامی قابل حصول است.

در نظام مبتنی بر اصالت وظیفه، قانون وجود دارد و از باب «کارآمدی» مبنای کارهاست و بسیار هم ضروری است. مردم باید از قانون اطاعت کنند از باب وظیفه. حال اگر این وظیفه را شارع تعیین کند مردم «وظیفه شرعی» به اطاعت از قانون دارند و این امر به مراتب قوی‌تر از قاعده اخلاقی مانند وفای به عهد است (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۲۶-۲۵).

مقوله‌های اصلی این مفهوم در سطح کدگذاری محوری عبارت‌اند از: قانون مبتنی بر شریعت، قانون دموکراتیک، دولت (حکومت) قانونی و قانون برابر.

۶- مقوله اصلی مصلحت‌سنجی

مصلحت و خیر عمومی در حقوق اسلامی و فلسفه سیاسی، جایگاه ویژه دارد. در واقع مصلحت در قسمتهای غیر عبادی دین نظیر حکومت و تبلیغ، معاملات و احکام نقش بسیار مهمی را دارد. تشخیص مصالح بر عهده ولی فقیه و حاکم اسلامی می‌باشد. به طور قطع، این نظر ریشه در عقل و شرع دارد. چرا که از ضروریات «مدبّر» بودن یک حاکم تشخیص مصالح است و هیچ شخصی اولی از حاکم برای تشخیص مصالح نیست و اینکه حاکم می‌بایست برای تمشیت نیکوی امور قادر به تشخیص مصالح باشد قطعاً یک امر بدیهی و عقلی است و از دیگر سو ارمغان بزرگ اصل تدبیر و تعقل که از شرایط امام جامعه است همین تشخیص مصالح است. در آثار امام خمینی اگر چه عنوان مشخص و معینی به نام مرجع «تشخیص مصلحت» نیامده است اما محتوای کلمات و همچنین از سیره و نحوه عمل حکومتی ایشان روشن می‌شود که این

مرجع همان ولی فقیه است که منصوب به نصب عام از جنب خداوند بوده و موظف به اداره اجتماع مسلمانان است (تقوی، ۱۳۷۸: ۱۵۰). لیکن بی‌گمان شناخت همه مصلحتها را یک فرد-هر مقدار که هوشیار و بصیر باشد- بر نمی‌تابد و نمی‌تواند از پس فهم مصالح بسیار پیچیده-مثلاً زمان ما- برآید.

نائینی معتقد بود که در حوزه مباحثات، که قلمرو صدور احکام حکومتی ولی رهبر است، مشورت لازم است و رهبر باید برای شناخت مصلحتها و صدور احکام حکومتی مصلحت‌آمیز به رایزنی پردازد و مجلس شورای اسلامی را مشاور خوبی می‌دانست. امام راحل پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عملاً به این نظریه مهر تأیید زد. در واقع حضرت امام تشخیص مصلحت را به مجلس شورای اسلامی واگذار کرده حتی تشخیص ضرورت را که موضوع احکام ثانوی را فراهم می‌آورد.

های عمده این مفهوم در سطح کدگذاری محوری عبارت‌اند از: مصلحت‌سنجی در امور و روابط، مصلحت‌سنجی در انتخاب مسئولین، مصلحت‌سنجی در اعطای آزادی(حقوق) و تقدم مصلحت عموم.

۷- مقوله اصلی سیاست جهانی

توجه به مسلمانان جهان و امت اسلامی در درجه اول و همه محرومان جهان از اصول بنیادی اندیشه سیاسی حضرت امام است و به همین خاطر به عنوان مقوله‌ای اصلی به آن پرداخته شد. مقوله‌های اصلی این مفهوم در سطح کدگذاری محوری عبارت‌اند از: حکومت جهانی اسلام، سعادت همه بشر، حمایت از محرومان جهان و احیای هویت اسلامی مسلمانان.

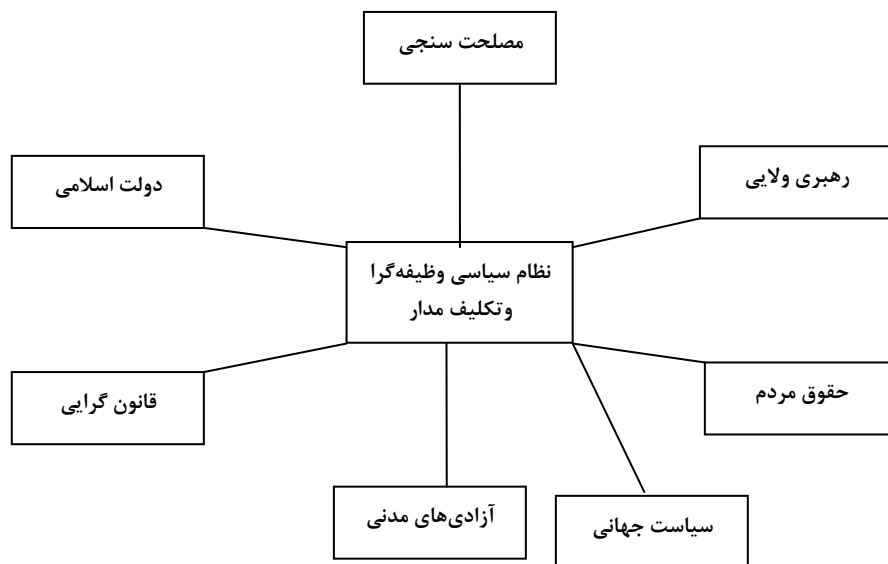
۸- مقوله اصلی دولت اسلامی

هدف از تشکیل نظام سیاسی برپایی یک دولت اسلامی است که مشخصات آن توسط امام به خوبی بیان شده است. امام خمینی (ره) که امکان تشکیل نظام مردم‌سالاری دینی را در این برهه از زمان و در سرزمین اسلامی ایران پیدا کرد با درس آموزی از تعالیم قرآن و عترت، در درجه اول خود را وقف خدمت به مردم کرد و حتی دوست می‌داشت مردم او را به جای رهبر، خدمتگزار بنامند چرا که به نیکی می‌دانست خدمتگزار مردم بودن شرف بزرگی است. ایشان همواره مسئولین را به انجام این مهم سفارش می‌کرد.

از نگاه امام خمینی (ره) در یک نظام اسلامی حکومت باید رسانی به مردم را وجه همت خود قرار دهد. دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است، باید خدمتگزار مردم باشد. از این رو در نظام اسلامی بر اساس جهان‌بینی الهی که افراد جامعه خود را موظف به انجام وظیفه دینی می‌دانند، زمامداران وظیفه خود را خدمت به مردم مسلمان و بندگان خدا می‌دانند و این گونه نیست که به دنبال پست و مقام باشند و فریفته زرق و برق ظاهری و برخوردارهای موقت و فانی گردند.

مقوله‌های عمده این مفهوم در سطح کدگذاری محوری عبارت‌اند از: دولت مردمی، دولت مستقل، دولت دموکراتیک، دولت ارزشی- اخلاقی و دولت حامی منافع اقتصادی مردم محروم (دولت پابرهنگان).

بنابراین مقوله‌های اصلی عبارت‌اند از: «رهبری ولایی»، «قانون‌گرایی»، «دولت اسلامی»، «حقوق مردم» و «آزادی‌های مدنی»، «سیاست جهانی» و «مصلحت سنجی». مقوله‌های اصلی و مرکزی مردم‌سالاری دینی از منظر امام خمینی در مدل نظری زیر ارائه شده است:



شکل ۳- مدل نظری مردم‌سالاری دینی از منظر امام خمینی (ره)

نتیجه گیری

در این مقاله اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) درخصوص مردم سالاری دینی مورد تحلیل قرار گرفت و مقوله‌ها و مفاهیم اصلی شناسایی شدند. براساس نتایج حاصل از تحلیل، نظام سیاسی تکلیف‌گرا و حق‌مدار به عنوان پدیده، مقوله مرکزی و نمای اصلی نظریه مردم سالاری دینی مبتنی بر اندیشه و روش حکومتی امام خمینی (ره) است و بهترین معرف و وجه تمایز مردم سالاری دینی از دیگر انواع مردم سالاری محسوب می‌گردد. در این دیدگاه، مردم سالاری دینی با استقرار یک نظام سیاسی تکلیف‌گرا و حق‌مدار محقق خواهد شد.

اگر ارزشهای دینی به عنوان یک شکل حکومتی یا روش حاکمیتی در نظر گرفته شود بین دموکراسی و دین تضادی وجود نخواهد داشت و مردم با رضایت، خواست خود را با خواست خداوند تنظیم نموده و دخالت آنها محدود به چارچوب دین خواهد شد.

موج جدید بیداری اسلامی که از اواخر ۲۰۱۰ آغاز شد نشان می‌دهد آنچه امروز امت اسلامی بیش از هر چیز دیگر نیازمند آن است دستیابی به الگوهای حکومت اسلامی می‌باشد که به دنبال عدالت و پیشرفت بر مبنای اسلام باشد. این در حالی است که مردم سالاری دینی در ایران به مرحله‌ای از رشد رسیده است که می‌توان از ورود به مرحله تازه‌ای از الگوسازی و تکمیل حیات تمدن اسلامی توسط آن سخن گفت.

حضرت امام خمینی (ره)، به عنوان رهبر، افکار و نظریات مختلفی در مسائل اقتصادی، فرهنگی و صنعتی زندگی اجتماعی جامعه اسلامی داشتند. مهم‌ترین خصوصیت ایشان رهبری انقلاب اسلامی بود و اینکه این نهضت به صورت یک حکومت اسلامی جلوه‌گر شد.

حضرت امام خمینی (ره) در حقیقت مظهر بازگشت به خویشتن و گوهر و جوهر قداست دینی و تفکر دینی به شمار می‌آیند. هدف اصلی امام (ره) برای دین، نتیجه یک تشخیص و شناخت پایدار است که به واسطه آن می‌توان مسائل و مشکلات معاصر و آینده را حل کرد. ایشان به عنوان یک رهبر، افکار و نظریات مختلفی در مسائل اقتصادی، فرهنگی و صنعتی زندگی اجتماعی جامعه اسلامی داشتند.

بر این اساس بود که مردم سالاری دینی شیوه تازه‌ای در نظامهای سیاسی دنیاست که در بستر مبانی سیاسی اسلام و متأثر از آموزهای نبوی و علوی شکل گرفت و بر آن است تا ضمن پاسداری حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی، رعایت اصول و مبانی ارزشی را نماید و بدین ترتیب نظام اسلامی را از الگوهای

سکولار غربی تمیز دهد. برای این منظور در طول بیش از ۳۰ سال حکومت اسلامی، روش نوینی مورد توجه قرار گرفته که نه استبدادی و نه لیبرالی است. حضرت آیت الله خامنه‌ای از این روش حکومتی به «مردم‌سالاری دینی» تعبیر نموده‌اند و آن را به مثابه یک نظریه و روش در اداره جامعه اسلامی، مبتنی بر اصولی می‌دانند که به تفصیل در فرمایشات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری آمده‌اند.

بر اساس نظریه مردم‌سالاری دینی، در نظام اسلامی کارگزاران، نه تنها مکلف به رفع نیازمندیهای مردم هستند، بلکه افزون بر آن موظف‌اند این کار را بدون هیچ‌گونه منتی به انجام رسانند. به عبارت دیگر، نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است که در آن، رسیدگی به حوائج مردم بدون منت، صورت پذیرد و چنانچه کارگزاران اسلامی در رسیدگی به احوال مردم، رعایت این اصل را نمایند اگر چه به مشکلات مردم رسیدگی کرده‌اند، اما حقیقت مردم‌سالاری دینی را درک ننموده‌اند.

تعبیر فوق با صراحت بر «ولی نعمتی» مردم دلالت دارد و این که حق مردم در مقام مقایسه با حق کارگزاران به مراتب بیشتر است. بنابراین توجه به خواست و رسیدگی به نیازهای مردم یک وظیفه است. مردم‌سالاری دینی در این معنا دلالت بر «صاحب حق» بودن مردم دارد و نظام موظف است حق مردم را ادا نماید و در غیر این صورت باید در پیشگاه مردم و خداوند پاسخگو باشد. اهمیت «خدمتگزاری» تا بدانجاست که مقام معظم رهبری از آن به مثابه «عبادت» یاد کرده که حکومت با بسیج تمامی تواناییهایش در تحقق آن کوچکترین کاهلی نباید روا دارد. از آنجا که شیرازه امور و انسجام ملی در گرو التزام به قانون و رعایت حدود قانون است مردم‌سالاری نمی‌تواند به گونه‌ای تعریف شود که نقض قانون و چارچوب اصلی نظام را نتیجه دهد. بدین ترتیب بر یکی از اصول مهم «مردم‌سالاری» یعنی رعایت قانون در وجوه مختلف آن - اعم از تنظیم روابط فیما بین مردم و روابط مردم با حاکمان - انگشت می‌گذارند. از این منظر، همگان ملزم و متعهد به اجرای اصول قانونی هستند که به تأیید شرع و نمایندگان مردمی رسیده است. مقوله‌های اصلی این نظام از منظر امام در این نوشتار ارائه شد.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آیت الله خامنه‌ای در دیدار با شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت، ۱۳/۱۰/۱۳۷۹ در: www.khamenei.ir
- اداره کل پژوهش سیما (۱۳۸۸)، مردم‌سالاری دینی؛ مستندات مردم‌سالاری دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران: سروش، صص: ۲۵۳-۱۴۹
- استراس، آنسلم و جولیت، کوربین (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی: رویه‌ها و روشها، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افروغ؛ عماد (۱۳۷۹)، "رابطه دین و دموکراسی"، روزنامه قدس.
- ایمان، محمد تقی، (۱۳۸۸)، مبانی پارادیمی روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پورفرد، مسعود (۱۳۸۴)، مردم‌سالاری دینی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- تقوی، سید محمد ناصر (۱۳۷۸)، حکومت و مصلحت، تهران: امیرکبیر.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۱)، صحیفه نور، جلد اول، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۵)، صحیفه نور، جلد نوزدهم، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۹)، صحیفه نور، جلد بیستم، تهران: سروش.
- خمینی، زروح الله، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی، بی تا، بی جا.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۵)، شئون و اختیارات ولی فقیه، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، البیع، جلد دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ذو علم، علی (۱۳۸۵)، تجربه کارآمدی حکومت ولایستی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵)، روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر «نظریه بر پایه» (گراندد تئوری، GTM)، تهران: آگاه.
- فلیک، آوه (۱۳۸۲)، روش تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- لاریجانی، محمد جواد (۱۳۷۳)، حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران: سروش.
- لاریجانی، محمد جواد (۱۳۷۴)، کاوشهای نظری در سیاست خارجی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- لاریجانی، محمد جواد (۱۳۷۹)، «جریان‌شناسی اصلاحات»، کتاب نقد، ش ۱۶: ۱۴۲-۱۳۸

- لک زایی، نجف (۱۳۸۴)، سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- لک زایی، نجف (۱۳۸۷)، درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی، تهران: بوستان کتاب.
- مزینانی، محمد صادق (۱۳۸۳)، حکومت و مشروعیت در قرائت شهید مطهری در جمعی از نویسندگان مجله حوزه، طلایه‌دار صبح: برگ‌گی از اندیشه‌های زلال شهید مطهری در کارنامه مجله حوزه، قم: بوستان کتاب، ۵۸۵-۵۴۹
- CD صحیفه امام خمینی نسخه ۳،۲۱ جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
- Algar, Hamid (2008), ECHO, 214, Retrieved from <http://www.itf.org.ir/MagPdfFiles/echo214.pd> in November 22.
- Charmaz, Cathy (2014), *Constructing Grounded theory 2nd Edition*, London: sage.
- Corbin, Juliet & Anselm Strauss (2008), *Basic of Qualitative Research :techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, London: sage.
- Gribich, Cavel (2007), *Qualitative Data analysis: an Introdushion*, London: sage.
- Huntington, Samuel (1996), The West Unique, Not Universal, *Foreign Affairs*, 75(6): 28- 46.
- Kramer, Gurdun (1993), *Islamist Notions of Democracy*, Middle East Report, 183: 2-8.
- Lewis, Bernard (1993), *Islam and Liberal Democracy*, *The Atlantic Monthly*, 271 (2): 89-99.
- Lipset, Martin (1993), *The Social Requisites of Democracy Revisited*, *American Sociological Review*, 59 (1): 1-22.
- Said, Edward (1994), *Orientalism*, New York: Vintage
- Takeyh, Ray (2001), *Faith-Based Initiatives: Can Islam bring democracy to the Middle East?* *Foreign Policy*: 67-70
- Said, E. W. (1997), *Covering Islam: How the media and the experts determine how we see the rest of the world*, New York: Pantheon.
- Urquhart, Cathy (2013), *Grounded Theory for Qualitative Research: A practical Guide*, U.K: Sage publications